

بازی اینترنتی

زندگی زوج جوان را تبه کرد

گروه حوادث/ زن جوان زیر لب غرولند می کرد و عصبی به نظر می رسید در حالی که روی صندلی در انتظار نوبت رسیدگی به پرونده اش بود، می گفت: خدا لعنت کنه سازنده این بازی های اینترنتی رو که زندگی منو خراب کرده... اما کمی آن طرف تر شوهرش با خونسردی سرگرم بازی با تلفن همراهش بود و انگار هنوز متوجه نشده که بازی زندگی مشترکش رو به پایان است.

نیم ساعت بعد منشی دادگاه زوج جوان را که هرکدام بیشتر از ۲۴- ۲۳ سال نداشتند به داخل شعبه فراخواند. ارغوان جلوتر از سعید وارد شعبه شد. هنوز سعید به طور کامل وارد اتاق نشده بود که ارغوان با بغض به قاضی گفت: دیگر نمی توانم تحملش کنم. تلفن همراه انگار هووی من شده و... دوباره زد زیر گریه.

قاضی گفت: اول قدری آب بخور و بعد هم برایم توضیح بده که ببینم ماجرا چیست.

ارغوان نفس عمیقی کشید و گفت: یک سال پیش با هزار امید و آرزو با سعید ازدواج کردم و به خانه بخت رفتم اما نمی دانستم که بختم را بازی های کامپیوتری سیاه می کند. چند ماه اول با هم ارتباط خوبی داشتیم ولی رفته رفته سعید آنقدر درگیر بازی های کامپیوتری شد که حالا به جای اینکه دغدغه اش زندگی و خانواده اش باشد بازی های گوشی و تبلت و لپ تاپش است. هر وقت هم حوصله اش سر می رود یا در شبکه های اجتماعی است یا در حال فیلم دیدن. انگار من در زندگی اش وجود ندارم. جناب قاضی اصلا اگر این مرد می خواست اینگونه زندگی کند چرا از دواج کرد؟!

قاضی گفت: یعنی تنها مشکل شما برای دادخواست طلاق بازی کردن همسران است یا این موضوع بهانه ای است برای دلخوری های دیگر؟

ارغوان گفت: جناب قاضی موضوع از این مهمتر هم وجود دارد؟ او در این ۶ ماه اخیر روزی ۱۰ دقیقه هم با من حرف نزده اصلاً مرا نمی بیند. حتی سرکار هم به خاطر همین بازی کردن های مداومش توبیخ و تنبیه شده اما هنوز سرش به سنگ نخورده، مطمئنم که یکی دو ماه دیگر هم از کار اخراج می شود و آن وقت باید کاسه گدایی دستمان بگیریم تا این آقا بتواند مراحل مختلف بازی هایش را به سرانجام برساند!

قاضی نیم نگاهی به سعید کرد و گفت: چرا زندگی ات را رها کردی؟ یا مگر با عشق ازدواج نکردی که حالا بعد از یک سال کارت به اینجا کشیده؟ اگر فکر می کنی زندگی هم بازی است شک نکن که به یکباره می سوزی و حذف می شوی. چرا به فکر زندگی نیستی؟ سعید گفت: همسرم خیلی اغراق کرده، من بازی کردنم را کتمان نمی کنم اما به این حدی که می گوید نیست. من همین دلخوشی را دارم و خودم را با آن سرگرم می کنم. خوب بود مثل خیلی از جوان ها برای تفریح و سرگرمی به دنبال مواد مخدر می رفتم؟! باور کنید جناب قاضی گاهی اوقات آنقدر درگیر هیجان بازی می شوم که فراموش می کنم ساعت چند است و کجا هستم. می دانم بعضی اوقات زیاده روی می کنم اما واقعاً دست خودم نیست...

ارغوان حرف های سعید را قطع کرد و گفت: من نیاز به صحبت و توجه دارم. مگر من چند سالم است و چند سال است که ازدواج کرده ام.

سعید نگاهی به قاضی کرد بعد رو به ارغوان گفت: نمی دانم چه بگویم. من کار بدی نکردم ولی همسرم درکم نمی کند. حالا هم انگار تصمیم گرفته از من جدا شود و من هم نمی توانم مانعش شوم.

ارغوان گفت: جناب قاضی شنیدید که ارزش چند تا بازی چقدر از من بیشتر است. من دیگر نمی توانم با او زندگی کنم و بهتر است که او با بازی هایش زندگی کند و من هم از بلا تکلیفی در بیایم. قاضی پس از لحظاتی گفت: مشکل شما به آن اندازه نیست که ادامه زندگی تان غیرممکن باشد. فکر می کنم با حضور یک ماهه در جلسات مشاوره مشکل تان حل شود. بعد از آن دوباره شما را خواهم دید و تصمیم گیری خواهم کرد.

امیرحسین صفدری کارشناس حوزه خانواده

در این پرونده سعید هنوز نتوانسته بین زندگی مجردی و متأهلی خود تفکیک قائل شود. با توجه به گفته های این زوج می توان با صراحت گفت حق با ارغوان است چراکه او به عنوان یک زن نیازهایی دارد که از طرف همسرش نادیده گرفته می شود. این زوج و بخصوص سعید باید بدانند که زندگی مشترک یعنی تعهد، تعامل، گفت وگو، آرامش، از خودگذشتگی و... با این حال اگر سعید بتواند از وابستگی خود نسبت به بازی کم کند و وقتش را صرف زندگی مشترکش با ارغوان کند قطعاً رابطه شان بهتر از قبل خواهد شد.



گروه حوادث/ قاتل محکوم به مرگ که با ساختن صفحه اینستاگرامی از داخل زندان، دختر جوانی را فریب داده و با تهدید به مرگ از او خواسته بود تا برایش رضایت بگیرد تحت بازجویی قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، مدتی قبل دختر جوانی به اداره پلیس رفت و از تهدیدهای یک قاتل شکایت کرد و گفت: در اینستاگرام با پسر جوانی که به ظاهر پولدار و البته خوش قیافه بود آشنا شدم. کم کم ارتباطمان بیشتر شد و از او خواستم تا حضوری همدیگر را ملاقات کنیم اما او گفت در ایران زندگی نمی کند و مقیم استرالیاست و از آنجا که به خاطر کارنا مرزها بسته است نمی تواند به ایران بیاید. او از من خواست صبر کنم تا پس از بهتر شدن اوضاع به ایران بیاید و با من ازدواج کند. دختر ۲۰ ساله در ادامه گفت: تمام تماس های سهیل از طریق فضای مجازی بود و در این تماس ها

ترفند عجیب قاتل

برای جلب رضایت اولیای دم

من گاهی صداهایی می شنیدم که برایم عجیب بود. مثلاً یکبار صدای بلندگو شنیدم که اسم کسی را صدا می کرد. چندباری از او خواستم برآیم عکس بفرستد، اما عکس هایی فرستاد که به نظرم غیرواقعی و ساختگی بود. همه این موارد باعث شد که بیشتر به سهیل شک کنم و پیگیر شوم.

من در این مدت به او اعتماد کرده و همه مشخصات و جزئیات زندگی ام را به او گفته بودم چون فکر می کردم او مردی متمدن و تحصیلکرده است اما چند هفته که گذشت سهیل وقتی با سؤال های من درباره کار و زندگی اش روبه رو شد سرانجام چهره واقعی اش را نشان داد و برایم گفت که چند سال قبل به همراه دوستانش از یک طلافروشی در اطراف تهران سرقت کرده و در این میان شاگرد طلافروشی به قتل رسیده و سهیل به اتهام قتل به زندان افتاده است.

سهیل که به اتهام قتل در زندان به سر می برد، با مبلغ محققنی تلفن همراه تهیه و برای خود صفحه اینستاگرامی درست کرده بود. او عکس های فتوشاپی اش را در فضای مجازی منتشر می کرد و مدعی می شد که

مهندس است و در خارج از کشور زندگی می کند. وقتی متوجه این حقیقت تلخ شدم گفتم که دیگر نمی خواهم به ارتباطم با او ادامه دهم اما این تازه شروع مشکلاتم بود، چراکه سهیل شروع به تهدید کرد و گفت باید هر طور شده از خانواده مقتول برای او رضایت بگیرم. گفت که در این مدت خانواده اش برای گرفتن رضایت اقدام کرده اند و خانواده مقتول راضی شده اند در ازای ۴ میلیارد تومان رضایت بدهند.

او ادامه داد: سهیل از من خواست ۴ میلیارد را فراهم کنم یا از خانواده اولیای دم رضایت بگیرم. خانواده من وضع مالی خوبی داشتند و یکی از دلایلی که سهیل مرا

انتخاب کرده بود همین پول بود، اما ۴ میلیارد، مبلغی نبود که بشود تهیه کرد. از طرفی افراد زیادی برای جلب رضایت اولیای دم وارد عمل شده اما نتوانسته بودند که رضایت بگیرند. سهیل زمانی که مخالفت مرا دید، تهدیدهایش را شروع کرد و گفت اگر کمکش نکنم آدمکش اجیر می کند تا مرا نیز به قتل برساند.

اقدام به جنایت

مهرنوش در رابطه با تهدیدهای سهیل گفت: اوایل باور نمی کردم، با خودم می گفتم او در زندان است، چطور ممکن است بلایی سر من بیاورد. اما یک روز که برای خرید از خانه خارج شدم خودرویی مرا تعقیب کرد و راننده می خواست به عمد با من تصادف کند و مرا به کشتن بدهد. آن زمان بود که متوجه شدم تهدیدهای سهیل واقعی است. تنها راه چاره برای رهایی از او را شکایت دادم.

به دنبال شکایت دختر جوان، پرونده ای در دادسرای جنایی پایتخت تشکیل شد. در بررسی های صورت گرفته به دستور بازپرس جنایی، هویت سهیل شناسایی و به دادسرا منتقل شد.

پسر جوان در بازجویی ها منکر ادعاهای مهرنوش شد و گفت: من هرگز مهرنوش را تهدید به قتل نکرده ام و تصادفی هم که می گوید از طرف من نبوده است. در این مدت ما به هم علاقه مند شده بودیم و حتی قرار بود که در زندان باهم ازدواج کنیم. وقتی هم به مهرنوش پیشنهاد دادم که برای گرفتن رضایت اقدام کند استقبال کرد تا بعد از آزادی از زندان بتوانیم باهم ازدواج کنیم. اما نمی دانم چه شد که چنین ادعایی را مطرح کرده است. در حالی که پسر زندانی منکر تهدید به قتل بود مدارکی به دست آمد که ادعای مهرنوش را تأیید کرد بدین ترتیب تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

قاتل رشد عقلی نداشت قصاص نشد

گروه حوادث / پسر نوجوانی که در یک قرار تلگرامی همکلاسی اش را به قتل رسانده بود، با گزارش پزشکی قانونی از قصاص تبرئه و به پرداخت دیه و حبس محکوم شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از مهرماه ۱۳ سال پیش با درگیری مرگبار میان دو نوجوان آغاز شد. پس از اعلام گزارش درگیری مأموران به محل اعزام شدند و مشخص شد که پسر نوجوانی به نام ارسلان توسط دوستش مهدی با چاقو مجروح و پس از آن به بیمارستان بعثت تهران منتقل شده است که ساعاتی بعد ارسلان بر اثر جراحات وارده فوت کرد.

یک روز بعد مهدی به همراه پدرش به پلیس آگاهی

رفت و خودش را به عنوان عامل قتل ارسلان معرفی کرد و در توضیح ماجرا گفت: من و ارسلان همکلاسی بودیم و او همیشه به همه زور می گفت و در یک گروه تلگرامی که با همکلاسی های مان داشتیم من را تهدید کرده بود. آخرین بار پس از فحاشی و تهدید با من قرار گذاشت تا باهم دعوا کنیم و من هم به خاطر اینکه او جثه درشتی داشت ترسیدم و چاقویی را در جیبم گذاشتم. روز حادثه پس از اینکه بکدیگر را دیدیم درگیر شدیم و من هم چند ضربه چاقو به او زدم و از ترس فرار کردم. اما شب وقتی پدرم را در جریان ماجرا قرار دادم از من خواست تا خودم را معرفی کنم. پس از اظهارات منتهی وی به پزشکی قانونی معرفی شد و کارشناسان در گزارشی اعلام کردند مهدی به رشد عقلی نرسیده و ماهیت جرم و حرمت آن را درک نکرده است.

قتل عام ۸ عضو یک خانواده در زاهدان

گروه حوادث/ ۸ عضو یک خانواده در زاهدان با شلیک گلوله به قتل رسیدند و ردیایی ها برای شناسایی عاملان این جنایت آغاز شده است. سرهنگ محمود سعادت، فرمانده انتظامی شهرستان زاهدان در این باره گفت: ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه ظهر سه شنبه در پی اعلام خبر قتل عام یک خانواده در یکی از محلات شهرستان زاهدان موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس مرکز استان قرار گرفت. با حضور مأموران در صحنه جنایت مشخص شد، قتل یک شب قبل رخ داده و هشت نفر از اعضای یک خانواده - ۲ زن، سه پسر و سه دختر- با شلیک سلاح به قتل رسیده و عامل این جنایت از محل متواری شده اند. فرمانده انتظامی شهرستان زاهدان ادامه داد: بلافاصله کارآگاهان پلیس آگاهی و بازپرس ویژه قتل در محل حاضر شدند و پیگیری های لازم برای شناسایی عامل یا عاملین این جنایت هولناک در حال انجام است. گفتنی است، پدر این خانواده به علت محکومیت جرایم مواد مخدر زندانی رای باز بوده که روز دوشنبه دهم خرداد در ساعت ۱۳ و ۱۰ دقیقه خود را به زندان معرفی کرده است.

پیداشدن کودک گمشده در جنگل

گروه حوادث/ پسر ۶ ساله که در جنگل های روستای سنگستان رامیان گم شده بود پس از ۲۸ ساعت جست وجو پیدا شد.

سرهنگ ابوالفضل وزیر، فرمانده انتظامی رامیان در تشریح این خبر گفت: ظهر روز یکشنبه خبر گم شدن کودک ۶ ساله در محدوده روستای سنگستان رامیان به پلیس اعلام شد. با توجه به حساسیت موضوع، تیمی ویژه از مأموران انتظامی و هلال احمر به محل اعزام و با کمک اهالی محل عملیات جست وجو را آغاز کردند. تا این که سرانجام ظهر سه شنبه، دو شهروند در جنگل های سفید چشمه متوجه حضور پسرچرای در حاشیه جاده شدند که حال عمومی وی مساعد نبوده بنابراین بلافاصله با ۱۱۰ تماس گرفته و موضوع را به پلیس اعلام کردند.

فرمانده انتظامی رامیان افزود: با حضور مأموران انتظامی و بررسی های اولیه مشخص شد این پسر بچه همان کودک گمشده است که بلافاصله موضوع به خانواده وی اعلام و کودک هم به دلیل ضعف عمومی به مراکز درمانی منتقل شد. وی از خانواده ها درخواست کرد، هنگام حضور در مناطق جنگلی مراقب فرزندان خردسال خود باشند تا شاهد چنین اتفاقاتی در سطح منطقه نباشیم.

گروه حوادث/ نقص فنی هواپیمای «اف ۵» در پایگاه

چهارم شکاری در زفول، منجر به فوت دو خلبان ارتش شد. علی فرهمندیپور، فرماندار ویژه زفول در تشریح این ماجرا گفت: صبح دیروز بر اثر یک حادثه زمینی در محوطه نظامی پایگاه چهارم شکاری در زفول دو خلبان به نام های سرهنگ کیانوش ساطی و سروان حسین نامنی به شهادت رسیدند.

ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه ای اعلام کرد این دو خلبان هنگام آماده سازی هواپیما قبل از پرواز بر اثر عملکرد ناگهانی صندلی پُران به شهادت رسیدند.

فرماندار ویژه زفول ضمن تکذیب حادثه سقوط هواپیما گفت: اینکه در خبرهای غیررسمی علت شهادت این دو خلبان سقوط هواپیمای نظامی عنوان شده به هیچ عنوان صحت ندارد و هواپیماهای پایگاه چهارم شکاری در سلامت کامل هستند.

فرهمندیپور با ابراز تأسف نسبت به وقوع این حادثه تلخ و تسلیت به خانواده خلبانان شهید، عنوان کرد: ابعاد مختلف حادثه در دست بررسی است و جزئیات اعلام خواهد شد.



داشتم او را با چاقو مجروح کنم. حالا هم می دانم خانواده ارسلان چه وضعیتی دارند و به خاطر کاری که کردم پشیمانم و از آنجا در خواست گذشت و حلالیت دارم. سپس کارشناس روانشناسی گزارش پزشکی را به دادگاه ارائه کرد و منم را فاقد قوه تمیز درباره قتل دانست. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و مطابق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی و با توجه به نظریه پزشکی قانونی که اعلام کرده بود وی به هنگام ارتکاب جرم کمال عقلی نداشته مهدی از قصاص معاف شد و او را به پرداخت دیه و ۵ سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم کردند این حکم با اعتراض اولیای دم مواجه شد و پرونده به دیوان عالی کشور رفت اما پس از بررسی قضات شعبه ۹ دیوان، آنها حکم صادره را تأیید کردند.



ناپدید شدن مردی در زیر زمین خانه اش

کردند تا به وسیله حفرتونل ۶ متری به محل حفاری اولیه برسند اما خاک ریزش کرد و عملیات با گذشت دوروز از این حادثه همچنان ادامه دارد و موفق به پیدا کردن این مرد نشدند. شرایط حفاری زمین نیز خطرناک شده است و ممکن است پایهای خانه را است کند.

عاشوری یادآور شد: هیچ نشانه ای از فرد محبوس به دست نیامده است و فقط وسیله هایی که با آن کار می کرد در عمق گودال پیدا شده است. به گزارش خبرگزاری فارس، رئیس شورای شهر فردیس اعلام کرده بود احتمال دارد این مرده دنبال کشف گنج بوده است.

۱۸۵۰ بسته هروئین در خانه ۳ زن

گروه حوادث/ سه زن که حدود ۲ کیلو هروئین را برای فروش به معتادان بسته بندی کرده و آماده توزیع بودند از سوی پلیس دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل مأموران انتظامی با گزارش های مردمی دریافتند که سه زن در کوی سجادیه شهر اراک اقدام به فروش مواد مخدر می کنند. سرهنگ امیر مختاری فرمانده انتظامی شهرستان اراک گفت: در پیگیری گزارش های مردمی اعلام شده به مرکز فوریت های پلیس ۱۱۰ بررسی موضوع به صورت تخصصی از سوی مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان آغاز شد. با مراقبت های ناخوسوس مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان اراک، محل فعالیت این افراد در یک خانه مسکونی شناسایی شد و با هماهنگی انجام گرفته با مرجع قضایی، عملیات دستگیری آنان در دستور کار قرار گرفت و سرانجام در عملیاتی غافلگیرانه، مقدار یک کیلو و ۸۵۰ گرم هروئین را که در ۱۸۵۰ بسته کوچک آماده فروش بود از آنان کشف کردند. فرمانده انتظامی شهرستان اراک با قدردانی از همراهی و مشارکت شهروندان در اعلام گزارش های فعالیت های مجرمانه به پلیس بیان داشت: دستگیرشدگان در این عملیات با تشکیل پرونده به مرجع قضایی شدند.